

بحثی در زمینه

مالیات بردرآمد

بخش

بازرگانی داخلی

در این مقاله نویسنده نظرات و برداشت های شخصی خود را در خصوص مالیات در بخش بازرگانی داخلی ارائه مینماید. بمنظور آگاهی از دیدگاه های مختلفی که احتمالاً در این زمینه ممکن است وجود داشته باشد با شما مجله حسابدار در انتظار دریافت نظرات خوانندگان در این مورد میباشود تا عنداللزوم در مورد چاق آنها اقدام نماید.

نویسنده : غلامرضا سلامی

مقدمه

امروزه یکی از مسایل بفرنج اقتصاد دی در کشور ما مساله عدم رعایت عدالت مالیاتی در سطوح مختلف جا معه میباشد. بدین نحو که در حال حاضر یکی از کم در آمدترین اقشار جا معه یعنی حقوق بگیران بیشترین سهم در آمد مالیاتی دولت را تامین میکنند و این در حالیست که سهم اعظم افراد پردرآمدیان جا معه مختلف از پرداخت سهم حقه مالیاتی خود معاف میباشند.

علت این امر بیشتر از نارسائی قانون و سیستم تشخیص و وصول مالیات ناشی میگردد. میتوان گفت قانون مالیاتهای مستقیم تا آنجا که کسرو ارسال مالیات در مبداء ایجاد در آمد بعهده اشخاص ثالث میباشد تا اندازه زیادی موفق بوده است. مثلاً "حقوق بگیران تقریباً" مدد در مالیات متعلقه را پرداخت میکنند و بخش خدمات و پیما نگاران نیز تا اندازه زیادی به پرداخت مالیات قانونی وادار شده اند.

در مورد آن دسته از مودیان که فعالیتهای آنها بنحوی از انحصاء تحت کنترل وزارت امور اقتصاد دی و دارائی قرار دارند نیز مشکلی آنچنانی وجود ندارد. بعنوان مثال بخش تجارت خارجی به سبب آنکه

کلیه کالای خریداری آنها از یکطرف تحت کنترل حوزه‌های مالیاتی بوده و از طرف دیگر ملزم به کسب برگ اعلام قیمت از سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان برای فروش کالاهای خود میباشند تا گزیر از قبول مالیات متعلق بخود بوده و با تدا بیری پیش بینی شده چاره‌ای جز پرداخت بموقع آن ندارند. عملیات اشخاص حقوقی و سایر اشخاصیکه طبق مقررات ملزم به نگاهداری دفاتر قانونی میباشند نیز تا اندازه‌ای تحت با زبینی ما مورین مالیاتی قرار دارد و اگر این گروه سهم واقعی خود را در تامین هزینه‌های دولت ادا نمیکنند، اشکال ناشی از کمبود نیروی انسانی متخصص در دستگاه تشخیص مالیاتی کشور میباشد.

مسئله "بعد از انقلاب حجم فعالیت حوزه‌های مالیاتی افزایش یافته ولی در مقابل کار در مالیاتی وزارت امور اقتصادی و دارایی چهار نظر کیفی و چهار نظر کمی به تناسب تقویت نگردیده است، مضافاً" به اینکه دولت در سال ۱۳۵۹ بدون جایگزینی مناسب اقدام به انحلال کانون حسابداران رسمی نمود و از این بابت نیز دستگاه تشخیص مالیات دچار نقصان گردید. امکان رسیدگی به دهها واحد اقتصادی که در بعضی از حوزه‌ها مشاهده میشود حتی با یک کار حسابرسی ورزیده نیز وجود ندارد و به همین علت ممیزین بخاطر عواقب ناشی از مسئولیتهای قانونی، ناخودآگاه بسمتی سوق داده میشوند که نهایتاً "باعث بی عدالتی در تشخیص مالیات میگردد بدین معنی که بعضی از شرکتهای بخاطر قصور جزئی مشمول تشخیص علی‌الراس شده و فی‌الواقع مورد ظلم قرار میگیرند و تعداد بیشتری بخاطر حفظ ظواهر قانونی از پرداخت مالیات حقه معاف میشوند. مشاهده میشود که گروههای مندرج در فوق بهر صورت بعضاً "بطور کامل و بخش دیگری بطور ناقص در تامین هزینه‌های دولتی سهمی بعهده دارند. و اما آن قسمت از افراد مشمول مالیات بر درآمد که در شرایط امروزی بیشترین سود را عاید خود می‌سازند، یعنی بخش تجارت داخلی، کمترین سهم ممکن در پرداخت مالیات را دارا میباشند. این بخش واسطه‌ها، عمده فروشها و خرده فروشها را شامل میشود و هدف از این نوشته بررسی راهها نیست که بتوان مالیاتی منصفانه و منطبق با قانون را در مورد این بخش جاری ساخت.

مشکل تشخیص مالیات بخش تجارت داخلی

بطور کلی بدلیل تنوع در تعداد گردش کالا یا ارائه خدمات که رابطه مستقیم با عواملی از قبیل محل کسب، مدیریت و غیره دارد. امکان تعیین میزان فروش کالا یا خدمات بطور نسی برای حوزه های مالیاتی وجود ندارد و آنجا تیکه اکثر کسبه ایران از صندوق های حافظه دار استفاده نمیکنند، ضبط وثیت سابق فروش کالا و خدمات امکان پذیر نیست و اجبار پیشه وران جزء به نگاهداری حساب و کتاب نه ممکن است و نه منطقی. بهر صورت بنظر منیر سد تشخیص مالیات اصناف از طریق رسیدگی به سوابق فروش آنها میسر باشد.

الزام قانونی مندرج در ماده ۶۳ قانون مالیاتها در مورد ارائه اظهارنامه مالیاتی نیز تا کنون نتوانسته چاره ساز باشد زیرا آنها یا اظهارنامه تنظیم نمیکنند و یا اظهارنامه آنها قابل استناد نیست. همچنین استفاده از دستورالعمل مندرج در ماده ۶۶ بدلیل عدم وجود ضوابط و معیارهای منطقی در مورد تشخیص مالیات، بیشتر جنبه نظریات شخصی (خواه ممیز و خواه مسئولین اتحادیه) داشته و معمولاً "بدلیل عدم تکاء به مدارک قابل استناد مورد اعتراض شدید اصناف واقع میشود.

این امر بیشتر از نقطه نظر هماهنگی قابل بررسی است چه اصولاً در اکثر موارد با وجود آنکه مالیات تشخیص شده یک پیشه ور (حتی یک پزشک) موفق در مقایسه با مالیات پرداخت شده یک کارگزار کارمند بمراتب کمتر میباشد، مع هذا بدلیل عدم اعتقاد تعدادی از آنها به پرداخت مالیات، (که ناشی از عدم آگاهی آنها نسبت به نقش مالیات در اقتصاد کشور میباشد) مالیات تشخیص شده شدیداً "با اعتراض آنها مواجه میگردد.

در مورد واسطه ها و عمده فروشها متاسفانه وضع تشخیص مالیات از این هم بدتر است و معمولاً اینگونه تجار داخلی سعی مینمایند اصولاً ردیابی از معاملات خود باقی نگذارند و حتی در این مورد دیگر نه اتحادیه ای وجود دارد و نه کاری از تحقیقات محل ساخته است.

سرقفلی بعنوان قرینه تشخیص مالیات

از آنجا تیکه طبق قانون مالیاتها و مراتب مندرج در فوق نهایتاً

چاره‌ای جز تشخیص مالیات اصناف از طریق علی‌الراس وجود ندارد (با استثنای مورد مندرج در تبصره ۳ ماده ۶۳) لذا بنظر نگارنده لازم است قرینه‌ای بکار رود تا کمتر جنبه نظر شخصی داشته و معیار رقابلی استکباری برای تشخیص مالیات در زمانهای مختلف باشد.

بنظر نگارنده منطقی خواهد بود چنانچه در آمد مهر محل کسب و پیشه را مستقیماً "بمیزان ارزش معاملاتی سرقفلی آن محل از یک طرف و نرخ بازدهی متعارف سرمایه از طرف دیگر مربوط نمود، بعنوان مثال: اگر ارزش معاملاتی سرقفلی محل کسی (شامل هزینه تاسیسات و تجهیزات) ۱۵ میلیون ریال باشد و نرخ متعارف بازدهی سرمایه ۱۲٪ در سال تعیین گردد، درآمد مشمول مالیات آن محل کسب ۱۸۰۰۰۰۰۰ ریال خواهد بود، که معادل درآمد مشمول مالیات یک کارمند با حقوق ماهیانه ۱۵۰۰۰۰۰ ریال می‌باشد.

بنظر می‌رسد این مالیاتی غیر عادلانه برای یک پیشه‌ور که در شرایط امروزی دارای درآمدی بمراتب بیشتر از کارمندان است، تلقی گردد.

وزارت امور اقتصادی و دارایی می‌تواند با استفاده از کامپیوتر، برای کلیه محله‌های کسب و پیشه شناسنامه مالیاتی تهیه نماید، این شناسنامه شامل تمام مشخصات محل مورد نظر بوده و کلیه تغییرات (حتی تعطیل محل کسب برای مدتی) می‌تواند بموقع در این شناسنامه ثبت گردد. مسلماً "نحوه کدگذاری محله‌های کسب از اهمیت ویژه‌ای برخوردار خواهد بود.

خرید بعنوان ملاک رسیدگی

در مورد آن دسته از اصناف که به‌کار خرید و فروش کالا اشتغال دارند تعیین فروش از طریق رسیدگی به مدارک امکان پذیر نمی‌باشد چسب همانگونه که اشاره شد مدرکی در مقابل فروشهای انجام شده وجود ندارد و عملاً "نمی‌تواند وجود داشته باشد، لکن بدلیل محدود بودن دفعات خرید امکان جمع‌آوری مدارک خرید برای هر فروشنده عملی است، بدین طریق که وزارت امور اقتصادی و دارایی می‌تواند به موجب قانون فرم خاصی را برای فروشندگان کالا (عمده‌فروش یا تولیدکننده) توصیه نماید. در این فرم مشخصات کالا به تفکیک نوع و مقدار بایستی مشخص شود و علاوه بر آن نام و آدرس فروشنده مشخصاً

با یستی در این صورت حسابها منعکس گردد. هر یک از پیشه‌وران شاغل در امر خرید و فروش اجناس با یستی مکلف گردند اصل نسخه فاکتور خرید را بترتیب در کلاسوری نگهداری نموده و همواره جهت کنترل ممیزین وزارت دارائی آماده نگاهدارند. ممیزین مالیاتی همواره قادر خواهند بود حداقل از وجود فاکتور خرید برای موجودیهای فروشگاه مطمئن گردند (نه از نظر مقدار). در پایان هر سال فروشگاههای یستی حاوی مشخصات فاکتورهای خرید (طبق مشخصات خواسته شده از طرف وزارت امورات اقتصادی و دارائی) تهیه و همراه با اظهارنامه تسلیم حوزة مالیاتی خواهند نمود. این لیست بهر حال از طریق سیستمی در سوابق کامپیوتری نگهداری شده و حداقل از این طریق میتوان تا حدود زیادی معاملات عمده فروشها را هم کنترل نمود. این عمل چنانچه در مورد خود عمده فروشها نیز بمرور اجرا گذاشته شود، میتوان تا حدودی به معاملات افراد دیگری که به امر تجارت داخلی اشتغال دارند نیز پی برد. چنانچه بهر صورت مدارک ارائه شده از طرف اصناف قابل قبول حوزةهای مالیاتی قرار نگیرد ناچاراً "میاست در آمد مشمول مالیات آنها از طریق اعمال ضریب بر روی قرینه سرفلی بشرح مندرج در فوق تعیین گردد. بهر صورت اعمال مجازاتهایی مانند آنچه که در مورد سایر مودیان صورت میگیرد در صورت استنکاف اینگونه مودیان از ارائه اسناد و مدارک و اطلاعات در قالب قانون عملی خواهد بود ●

استانداردهای حسابداری تورمی

اخیراً "کمیته استانداردهای حسابداری انگلستان پیش نویسی برای آنکه ارزشهای جاری (در مقابل ارزشهای تاریخی) ممالک قضاوت صورتهای مالی قرار گیرد و بصورت استانداردهای حسابداری برای شرایط تورمی بکار رود، انتشار داده است. این پیش نویس، در عین حال که از هیچگونه حمایت قانونی برخوردار نیست، بنظر نایب رئیس این کمیته میتوان ند بطور عمومی مقبولیت و کاربرد پیدا کند، لیکن در عمل با استقبال زیاده روی روبرو نشده است و شرکتها و نیز موسسات حسابداری و حسابرسی هنوز نظر مساعدی در زمینه استانداردهای کردن این مسایل ابراز نداشتند.